



اشاره:

مقاله حاضر، به بررسی جایگاه و اهمیت مطبوعات در توسعه - به عنوان یکی از شاخصهای آن - می‌پردازد و نقش مطبوعات ایران را در این زمینه بررسی می‌کند. و از تداخل و گسیختگی در فرهنگ ارتباطی ایران و عوامل بازدارنده در توسعه یافتگی مطبوعات ایران سخن به میان می‌آورد.
این مقاله در نخستین سمینار بررسی مسایل مطبوعات ایران (اسفند ۶۹) ارائه و خوانده شده است.

● مقدمه

دیدگاه‌های موجود در زمینه رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بشری، عواملی را به عنوان اساسی‌ترین متغیرهای توسعه یافتگی مطرح می‌سازند. از جمله این عوامل باید به تولید ملی، درآمد سرانه، نرخ رشد و ترکیب جمعیتی، امید زندگی، سطح بهداشت، مصرف انرژی و میزان با سوادی اشاره کرد^(۱) همه این عوامل، در چارچوب یک شبکه تعاملی، موجب تعالی دانش و پیشرفت بشری و راهیابی به فطرت و منزلت انسانی می‌شوند.

بعد دیگر توسعه را باید در کیفیت مجرای ارتباطی و سطوح بیان افکار و اشاعه عقاید انسانی جستجو کرد. اصولاً در گردونه جامعه ایدئولوژی - حکومت تکنولوژی که به عنوان زمینه‌ساز توسعه می‌تواند مطرح باشد، تکنولوژی، شرایط خاصی را تحمیل می‌کند. تکنولوژی وسیله دگرگونی جهان طبیعی به جهان ساخت دست بشر بوده و در دگرگونی منابع طبیعی به منابع تولید شده، دارای نقش کلیدی و بنیادی است.^(۲) در این فرایند، انسان جایگاهی حساس دارد. او سخن و خواست خویش را در برخورد با پندار توده - که از جامعه نشأت می‌گیرد - و محک زدن آن با ایدئولوژی یا نظام عقیدتی - ارزشی خود، در مقابل یا در کنار حکومت بیان می‌دارد. این تکنولوژی است که نحوه ابزار سخن را برای او در جامعه و در برابر حکومت تعیین می‌کند. همین تکنولوژی نیز به ناگزیر، محدودیتهایی را در شکل‌گیری ارتباط انسانی فراهم می‌آورد. البته اگرچه در این رویارویی، هم خواسته و هم ناخواسته، ماهیت و واقعیت اندیشه و سخن انسانی دگرگون می‌شود، اما باید توجه داشت که عامل با سواد و سطح آموزش و آگاهی مبین کیفیت رشد سیاسی فرد و جامعه بوده و بر این اساس، وزن عناصر این گردونه، کم و زیاد خواهد شد. به زبان ساده‌تر، سطح ارتباطات جمعی و نحوه برخورداری از مجراهای پیام‌رسانی و تکنولوژی ارتباطی، همراه با سطح و کیفیت رشد سیاسی جامعه، اگر جهت‌گیریهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به طور کامل شکل ندهند، لاقابل بیانگر شاخصی بسیار مؤثر در سیر تحول نظام تولیدی اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آیند. از این رو، تکنولوژی هم به حرکت ارتباطات جمعی در دل جامعه

سرعت می‌بخشد و هم نهادهای است در جهت تسهیل انحراف ارتباطات توسط حکومت و سلب ماهیت اصلی جایگاه مناسب هر یک از عوامل گردونه رشد و توسعه. بدین ترتیب شرایط اجتماعی و اقتصادی - سیاسی جامعه، برای به حرکت درآوردن فرایند ارتباطی، همواره بستر و مجرای متناسبی را جستجو می‌کند.

مطبوعات به عنوان یکی از مجراهای قدرتمند و دیرینه ارتباط جمعی، همواره با بهره‌گیری از تکنولوژی و دانش روز، جایگاه ارزشمند خود را در فرایند رشد و توسعه ملی حفظ کرده است. به دیگر سخن، اگرچه ارتباطات توده‌گیر، همانند عنصری دوجانبه، در تسریع توسعه جوامع نقش داشته است اما نوع بهره‌برداری از تکنولوژی و نحوه برخورد این عنصر با آن تعارض‌گر او مقابله‌جویانه نبوده است. جامعه، حکومت، ایدئولوژی و تکنولوژی در طی زمان، چه بسا رویاروی همدیگر قرار داشتند.

اما این عناصر در عین حال، در یک مجموعه متعامل در

جایگاه ژورنالیسم کنونی ایران در فرآیند رشد و توسعه ملی

گوئل کهن*



بستر مجراهای ارتباطی خاص، پیگیر اهداف و منافع خاص خود بوده‌اند.

ارتباطات جمعی - ماهیتاً - همراه و هم‌پراز با تکنولوژی قرار گرفته و برخوردی همگرایانه با آن داشته است. تا آنجا که تعارض حکومت و تکنولوژی، جامعه و تکنولوژی، ایدئولوژی و تکنولوژی - و حتی تکنولوژی و تکنولوژی - هرگز برای نظام ارتباط جمعی مفهومی نداشته است. مطبوعات مصداق بسیار مناسب و دربرگیرنده‌ای است برای این همزیستی و همگرایی سازنده و رشد افزا. زیرا سیر تحولات تاریخی - بویژه پس از رنسانس اروپایی و انقلاب صنعتی - نشان می‌دهد که مطبوعات به عنوان عاملی بنیادی در ارسال و گسترش پیام تحولات - چه اجتماعی سیاسی و چه اقتصادی صنعتی - همواره مشوقی قدرتمند در ابداع ابزار و ایجاد فنون بهتر و پیشرفته‌تری بوده است. به گونه‌ای که اگر نقش «ماشین بخار» وات را در دگرگونی نظام اقتصادی اروپا، تعیین کننده بدانیم، «مطبوعات» را نیز باید هم در جهت گسترش و ارتقای پیام این دو تحول و ایجاد یک فرهنگ سیاسی-تولیدی جدید، و هم به عنوان یک فعالیت اقتصادی- اجتماعی نوین- و به اصطلاح تجارت نوپا- زمینساز راه رشد و توسعه کشورهای غربی به شمار آوریم.

● مطبوعات: شاخص توسعه

این موضوع که امروزه مصرف سرانه کاغذ و تیراژ و تعدد روزنامه‌ها و مجلات را از جمله شاخصهای مهم توسعه جوامع ارزیابی می‌کنند، بر همین پایه استوار است. بدین ترتیب، مطبوعات در دو بعد، هم در اختیار نظم نوین تولیدی- اقتصادی قرار گرفت و هم به نوبه خود، موجد نوعی تکنولوژی شد تا بتواند در گستره جدیدی که جبر تاریخی و نیازهای فزاینده ارتباطی در سطح جوامع صنعت‌گرا و شهرنشین برای آن فراهم آورده بود، به وظایف خود جامعه عمل بسپوشاند. بدین معنا که فعالیت مطبوعاتی به صورت یک تلاش تولیدی، صنعتی و حرفه‌ای درآمد.

بر همین اساس، نگرشی که بر نظام مطبوعاتی - به مثابه عمده‌ترین مجرای ارتباط توده‌گیر در چنان شرایط تولیدی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بود به ناگزیر می‌باید تغییراتی را پذیرا شود. این تغییرات، موجبات دگراندیشی حکومت و جامعه را در برخورد با مطبوعات فراهم آورد. زیرا تحول ایدئولوژیک و ابداع فنون و روشهای جدید نیز در گردونه توسعه، تغییر تفکر انسانی و تلقی او را نسبت به جایگاه، محتوا و به طور کلی ویژگیها و وظایف نهاد مطبوعاتی اجتناب‌ناپذیر ساخت. با استمرار همین دگرگونیها، بسترهای پسننداری و قانونی که پیام روزنامه‌نگار و اندیشه‌انسانی بر روی آنها حرکت می‌کرد، تعدیل شد. به زبان دیگر شرایط تازه، دیدگاههای تازه، و دیدگاههای تازه، چارچوبهای تازه‌ای را برای ابراز بیان و اندیشه ایجاد می‌کرد این چارچوبها، چیزی به غیر از تکوین تئوریهایی تازه‌تر مطبوعاتی نبودند.

● تکوین تئوریهایی مطبوعاتی

با این مقدمه کوتاه، درمی‌یابیم که چهار تئوری معمول و شناخته شده‌ای که برای تحلیل فلسفی سیر تحول نظریه‌پردازی فعالیت‌های روزنامه‌نگاری عنوان می‌شود، در گردونه مدل ساده توسعه، از چه جایگاهی برخوردار بود. وجه الزاماتی بر آن مترتب شده است.

بی‌تردید، تئوری استبدادی مطبوعات^۱ که در خلال قرون ۱۶ و ۱۷ به صورت یک نظام گسترش یافت، همواره در کنار حکومت‌های خودکامه، حضور داشته است و دارد. نه تنها شرایط سیاسی و ساختار قدرت در جوامع، بلکه شرایط اقتصادی، اجتماعی، وزن عناصر موجود در اعمال تئوری استبدادی مطبوعات را تعیین می‌کند. تئوری آزادی مطبوعات که مبتنی بر فطرت انسانی و حق حیات او برای ابراز بی‌دغدغه اندیشه‌ها و پندارهایش بوده و آزاداندیشی و

● مطبوعات به عنوان یکی از مجراهای قدرتمند و دیرینه ارتباط جمعی، همواره با بهره‌گیری از تکنولوژی و دانش روز، جایگاه ارزشمند خود را در فرایند رشد و توسعه ملی حفظ کرده است.

● تعارض حکومت و تکنولوژی، جامعه و تکنولوژی، ایدئولوژی و تکنولوژی - حتی تکنولوژی و تکنولوژی - هرگز برای نظام ارتباط جمعی مفهومی نداشته است.

● هم استقلال حرفه‌ای هم استقلال مالی و هم رسالت ژورنالیسم ملی ایران، همواره در معرض هجوم قرار داشته است.

تعالی بخشی را ارتقای دانش، بینش و حقیقت‌جویی بشر دنبال می‌کند، در شرایط خاص خود، از اواخر قرن هفدهم در انگلستان شکل گرفت. این زمان مصادف بود با انقلاب کشاورزی و تحول در نظام اقتصادی اروپا و دگرگونیهای فرهنگی- سیاسی. با ایجاد نظام اقتصادی مارکسیستی و شکل‌گیری نوع جدیدی از مناسبات تولیدی در شوروی، مطبوعات نیز در درون این مجموعه، نظم و چارچوب دگرگون‌های را پذیرا شدند. چندان که نظریه سومی برای فعالیت روزنامه‌نگاری در حکومت‌های متمرکز سوسیالیستی رفته رفته شکل گرفت. اگرچه آمریکاییان در میانه قرن اخیر، دیدگاه چهارمی را به عنوان «تئوری مسئولیت اجتماعی مطبوعات»^۲ مطرح ساختند^۳، اما این دیدگاه را صرفاً باید در هاله‌ای از اصول اخلاقی و سفارشی خلاصه کرد که گروه دانشگاهی هاجینز برای جلوگیری از تحمیل شرایط مسلط اقتصاد انحصاری عصر امپریالیسم بر آزادی بیان و قلم ارائه داد.

عناصر اصلی هر یک از این تئوریه‌ها، در هر جامعه با توجه به شرایط متفاوتی که حاکم است، تغییر می‌کند. همچنین باید توجه داشت همچنان که شرایط جدید، به ناگزیر نیازمند چارچوب و بستر جدیدی برای فعالیت مطبوعاتی است، نوع و ماهیت اعمال هر یک از این چارچوبها در قالب تئوری و یا نظریه ارتباط جمعی - و بویژه مطبوعاتی - متحمل تعدیلاتی می‌شود.

● تولد و تحول ژورنالیسم ایرانی

در ایران روزنامه در بطن تئوری استبدادی متولد شد و پس از گذر از مسیر پریچ و خم تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، چندان فرصتی نیافت تا در دل تئوری آزادی مطبوعات پرورش یابد و

نظام پذیرد. مطبوعات در ایران به مثابه عمده‌ترین مجرای ارتباط جمعی از بدو تولد تا هنگامی که در سالهای ۱۳۴۰ خورشیدی مورد هجوم جدی رسانهای توده‌گیر دولتی به نام رادیو قرار گرفت (حدود ۱۳۰ سال)، عملی‌رغم نقش تعیین‌کننده‌ای که در مقاطعی حساس از تاریخ معاصر ایران داشت، هنوز امکان رشد در فضای مناسب خود رانیافته است.

به همین علت، مطبوعات در فرایند رشد و توسعه ایران نتوانست از موقعیت و شرایط تعاملی یادشده در سیر تحول تاریخی و گردونه توسعه برخوردار شود. این وضعیت، موجب محبوس شدن و جدا افتادن مطبوعات از شرایط تاریخی خود، به عنوان مجرای فراگیر ارتباطات جمعی، شد. تا جایی که حتی در همان مقاطع حساس، مورد سوءاستفاده نیز قرار گرفت. یقیناً ضعف حرفه‌گرایی مطبوعات ایران را نیز باید حاصل چنین روندی دانست. در این میان از یک سو، ناآگاهی و یا شناخت نادرست حکومتها در برخورد با جایگاه مناسب مطبوعات کشور و از سوی دیگر عقب ماندگی نظام تولیدی و قلت تلاشهای آموزشی و کندی توسعه در ایران، باعث دوام چنین وضعیتی شده است.

تلقی نابجا از حقوق مردم و ارتباطات جمعی، همراه با سوءاستفاده دولت‌ها از مطبوعات و تعدی قدرتمندان به حریم آزادی بیان و قلم، موجب شد تا در ایران یکی از متغیرهای اصلی فرایند توسعه یافتگی، همانند دیگر عناصر آن ضعیف و ناتوان باقی بماند. افزون بر این، نهاد مطبوعاتی در ایران مجال نیافت تا به گونه‌های پیوسته و دامنه‌دار، بلاغت حرفه‌ای و استقلال مالی خود راه‌مجموع سایر فعالیت‌های تولیدی استمرار بخشد. در تاریخ مطبوعات ایران، به ندرت به دورانی برمی‌خوریم که نهادهای مطبوعاتی توانسته باشند از نظر اقتصادی به تعادل رسیده و دخل و خرج خود را صرفاً با تجارت خبر- به مثابه اساسی‌ترین عامل در شکل‌گیری ژورنالیسم حرفه‌ای- امکان‌پذیر سازند. می‌دانیم در هر واحد تولیدی- و از جمله در سازمان مطبوعاتی- استقلال اقتصادی و مالی مهمترین عامل تحرک، تکامل، پویایی و پیشرفت به شمار می‌آید. در ایران، سواى چند صباحی که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای توانست مالیات‌های مستقل داشته و به یک نهاد اقتصادی- فرهنگی کاملاً مولد نزدیک شود، روزنامه‌نگاری همواره غیر حرفه‌ای، با ساختاری سیاسی- حزبی و وابسته به دستگاه حاکم و به عبارتی دولتی بوده است.

روزنامه‌نگاران «ایران» پس از جدایی از دولت وقت در سال ۱۳۰۲ خورشیدی، نخستین گامها را در فرایند حرفه‌ای شدن مطبوعات ایران برداشت. از آن زمان تاکنون، چه در دوران طولانی حاکمیت ثغوری استبدادی مطبوعات و چه در دوران کوتاه شمول ثغوری آزادی مطبوعات، مختصات روزنامه‌نگاری حرفه‌ای صرفاً معدودی از نشریات همگانی دیده شده است. بدین ترتیب، وظایف اصلی تولید مطبوعاتی که در خبررسانی و ایجاد سرگرمی و هدایت و تنویر افکار خلاصه می‌شده، رفته رفته- از نظر اقتصادی از تجارت خبر، به فروش آگهی‌گرایش یافته است، که البته تداوم فشار و اختناق دولتی و سانسور خاص حکومتی، پشتوانه اصلی مورد نیاز برای تداوم وظایف مطبوعات را ضعیف و تضعیف‌تر کرده است. بنابراین، هم استقلال حرفه‌ای و هم استقلال مالی وهم رسالت ژورنالیسم ملی ایران، همواره در معرض هجوم قرار داشته است. مناسبات حاکم بر فعالیت‌های مطبوعاتی نه به عنوان مناسبات تولید اقتصادی، حتی از الزاماتی که به عنوان یک مجرای ارتباطی مهم و نافذ بر آن مترتب می‌شود نیز جدا افتاده و در گردونه توسعه مجال نمود نقش ماهوی خود را نیافته است.

اگر در صنعت و اقتصاد ما وابستگی و عدم استقلال به چشم می‌خورد، در مطبوعات نیز- در یک چشم‌انداز مستمر- این وابستگی به مراتب شدیدتر است. ارتباط تنگاتنگ این توسعه نیافتگی، زمانی بهتر مشخص می‌شود که صنعت و مطبوعات پاکستان یا هندوستان را با هم‌تایان خود در ایران مقایسه کنیم.

توسعه نیافتگی مطبوعات ایران، هم در محتوا، هم در ساختار، هم در نیروی انسانی و هم در برخورد حکومت و جامعه با آن به چشم می‌خورد. این شرایط سردرگمی و ناهماهنگی خاصی را بر فضای ژورنالیسم ایران پدید آورده و ضعف موجود، موجبات اعمال فشارها و محدودیت‌های



فزاینده‌ای را به صورت «قوانین مطبوعاتی» برای نهاد فراهم کرده است. در این رهگذر، گرچه تکنولوژی وارداتی به ندرت عاملی بازدارنده در تلاش روزنامه‌نگاران و تولید مطبوعاتی بوده است، اما در این زمینه زمین‌باز نبوده است. روزنامه‌نگاران همواره با کمبودهایی مواجه بوده‌اند.

● تداخل و گسیختگی در فرهنگ ارتباطی ایران

اگر این مدل را در چارچوب مدل ارائه شده از سوی «نیل پستمن»- محقق و نظریه‌پرداز ارتباط جمعی- نیز مورد بررسی قرار دهیم، بی‌انجامی نظام مطبوعاتی ایران و نقاط ضعف روینایی آن، همچنان قابل مشاهده است. او به طور کلی سه دوران عمده فرهنگی را در سیر تحولات اجتماعی و ارتباطی مطرح می‌سازد.^(۴) در هر دوره، انسان به صورت خاصی «مکالمه» می‌کند (یعنی پیام خود را منتقل می‌کند و به معنایی، ارتباط برقرار می‌سازد). این مکالمه، به صورت گوناگون همچون مکالمه یا نماد گفتار، کلمات مکتوب و تصویر انجام پذیرفته است. سه دوره اصلی مکالمه انسانی، همانا در فرهنگ گفتاری، فرهنگ نوشتاری و فرهنگ تلویزیونی خلاصه می‌شود که در دوره تسلط فرهنگ تلویزیونی، تصویر بصری عمده‌ترین صورت مکالمه است.

در جامعه ایرانی، به دلیل نقض توسعه یافتگی، نوعی تضاد ارتباط جمعی وجود دارد. بدین معنا که ما بدون کسب بلاغت در فرهنگ گفتاری و نوشتاری- به عبارتی توسعه یافتگی- مطبوعاتی متأسفانه خود را با دوران فرهنگ تلویزیونی دمساز کرده‌ایم. بخش وسیعی از جامعه ما در دوران فرهنگ گفتاری به سر می‌برند، اما روشنفکران و متجددان در دوران فرهنگ نوشتاری زندگی می‌کنند، گرچه تلویزیون رانیز- به مثابه مجرای فراگیر مکالمه تصویری- در دسترس جامعه قرار داده‌ایم. بر این اساس، توده مردم و روشنفکران در دو دوران متفاوت فرهنگی به سر می‌برند. این دو، برای بیان اندیشه‌ها و پنداره‌های خود نیز دو زبان یعنی دو مجرای ارتباطی و دو نوع مکالمه را به کار می‌گیرند. برای انجام این مکالمه، نه مطبوعات در مرکز فرهنگ ارتباطی ما قرار گرفته و نه تلویزیون و یا رسانه‌های همگانی دیگر.

در ایران نیز همانند اغلب کشورهای جهان سوم، باید سیاست ارتباط جمعی و نظام مطبوعاتی به گونه‌ای شکل گیرد که همجهت با الگوی رشد و توسعه ملی، در برابر وابستگی رشد یابنده مردم این جامعه به زبانهای بیگانه و منابع و مجاری ارتباطی خارجی مقابله کند. بنابراین ضمن فراگیر کردن سوادآموزی و ارتقای کیفی سطوح آموزشی، باید به این مسئله اساسی توجه داشت که اصولاً مردم پس از ترک مدرسه چه می‌خوانند و چه خوراک مطالعاتی باید در اختیارشان قرار گیرد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان توسعه معتقدند آگهی‌های دیواری، نشریات و روزنامه‌ها باید در دسترس همگان بوده و به میزانی باشد که عادت به مطالعه حفظ شود.^(۵) متأسفانه تنها یک‌سوم از کسانی که هر سال خواندن را فرامی‌گیرند، با سواد باقی می‌مانند یک سوم عملاً به بی‌سوادی بر می‌گردند و یک‌سوم دیگر، کم‌خوان می‌شوند و مطالعه برای یک‌سوم به صورت عادت در می‌آید. این وضعیت که سرعت توسعه را کند و کندتر می‌کند، ناشی از دو علت: نارسایی و نابجایی مواد خواندنی یعنی مطبوعات است. این نابجایی ممکن است ناشی از قیمت مطبوعات باشد که امری اقتصادی است، یا نادرستی توزیع مطبوعات که امری سازمانی و تشکیلاتی، و یا مسایلی فیزیکی مانند قابل خواندن نبودن متن یا مشکل زبانی که مطالب به آن نوشته شده و یا مرتبط نبودن محتوای مطبوعات با فرهنگ خواننده.

طی ده سال اخیر، متأسفانه بهایی که در ایران به دورسانه همگانی تلویزیون و رادیو داده شده و کم‌توجهی فزاینده‌ای که به اصالت مطبوعات ملی روا داشته شده، همراه با عواملی که پیشتر به آن اشاره کردیم، پویایی و تکامل ژورنالیسم ملی ایران را با موانع جدی مواجه ساخته است. حال آنکه به قول

«پروفسور روبرت اسکایری» استاد دانشگاه ملی گاسکن فرانسه، مطبوعات هنوز هسته هر گونه نظام بارور آگاهی دهنده است و هیچ تکنولوژی نمی‌تواند جانشین کتاب و روزنامه به عنوان منبع اصلی و مهم و مستقل اطلاعات بشود. (۶)

در حال حاضر، ایران برخلاف آنچه گفته می‌شود، در مقایسه با ترکیه نه تنها از نظر کل مطبوعات، بلکه از نظر نشریات اسلامی نیز از موقعیت پایینتری برخوردار است. از نظر کلیت میزان روزانه دو میلیون و ۷۹۰ هزار نسخه روزنامه‌هایی که در نوامبر ۱۹۸۶ میلادی در ترکیه انتشار می‌یافته، متوسط تیراژ روزنامه‌های اسلامی (ترکیه) ۲، روزنامه ملی ۴ و نسل جدید (۵) ۱۰۰ هزار نسخه بوده و تیراژ ماهنامه «اسلام» به ۱۱۰ هزار نسخه می‌رسیده است. (۷)

● عوامل بازدارنده در توسعه یافتگی مطبوعات ایران
باتوجه به آنچه در زمینه جایگاه مطبوعات در فرایند توسعه ملی گفته شد، عناصری همچون محتوا، ساختار، نیروی انسانی، حکومت و جامعه و محدودیتهای قانونی مهمترین متغیرهای مؤثر در توسعه و تکامل حرفه‌ای مطبوعات ایران به‌شمار می‌آیند.

محتوای کنونی مطبوعات ایران از دو بعد می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد: نوع مطالب و شکل ارائه آنها. متأسفانه در هر دو زمینه ناپختگی و ضعف شدیدی به چشم می‌خورد. طی ده سال اخیر، خبر- به عنوان عنصر حیاتی یک روزنامه صرفاً خلاصه شده است در آنچه خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی روی تلکس می‌برد و یا رادیو تلویزیون که قبلاً از جانب «واحد مرکزی خبر» منتشر کرده است. تولید خبر به مثابه عمده‌ترین وظیفه روزنامه‌نگاران به فراموشی سپرده شده است. تا آنجا که تفاوت خبری در روزنامه‌های بامدادی و شامگاهی به‌ندرت به چشم می‌خورد. شکل ارائه خبر نیز در صفحات مطبوعات ما یکنواختی در بسیاری موارد به دور از اصول مسلم تنظیم و عرضه خبر است. افزون بر این، متأسفانه رعایت نکردن رسم‌الخط ملی، نکات دستوری و حتی املاهای ابتدایی مطالب، بازار مکارم‌های از عرضه مطالب فارسی با رسم الخطها و املاهای متعدد پدید آورده است. این وضعیت، موجبات ضربه‌پذیری هر چه بیشتر زبان فارسی را طی سالهای اخیر فراهم آورده و بلا تکلیفی کاملی را بر نگارش مطبوعاتی مسلط کرده است. در این زمینه، نمونه‌هایی را که در پیوست شماره یک آمده، می‌توان مثال آورد. در یک مجله، این انحراف به‌گونه‌ای شدت گرفته که حتی دانشگاه را دانش‌گاه، سخنرانی را سخن‌رانی و قطعنامه را قطع‌نامه نوشته و نوعی زیگولو بازی را وارد حریم مطبوعات کرده است (پیوست شماره ۱).

ساختار مطبوعات عمده کنونی به‌صورت ساختار شدیداً متمرکز و «قطبی شده» به یک جناح-

سیاسی درآمده و متأسفانه انواع و اقسام سلیقه‌ها و منافع گروهی و جناحی، مطبوعات عمده کشور را در بر گرفته است. این اعمال رفتار، انواع سانسور و قلب حقایق و دستبرد خبری را در محتوای مطالب و اخبار وارد ساخته است. امکانات مطبوعات مصادره شده که باید در برگیرنده منافع ملت و کشور باشد، دستخوش منافع گروهی و جناح‌بندیها و خط‌بازیهای مخرب شده و نوعی «ملوک الطوائفی» را بر مطبوعات ایران حاکم کرده است! آزادی مطبوعات و حتی تفسیر قانون مطبوعات در گروهی همین منافع قرار دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت هیچ یک از تئوریهای مطبوعاتی نمی‌تواند به طور کامل موقعیت کنونی مطبوعات ایران را توجیه کند. سواى سانسور و تمیزی قانونی و غیرقانونی و محدودیتهای انتشاراتی مرسوم (۸) در ایران، متأسفانه حبس امکانات و انحصار تکنولوژی، مواد و عوامل تولید مطبوعاتی

در چارچوبی خاص، نوع دیگری از سانسور را بر فضای فعالیت روزنامه‌نگاری تحمیل کرده است. در یک واحد مطبوعاتی وام و تا سه میلیونی به معدودی پرسنل داده می‌شود، در حالی که واحد دیگر برای تأمین کاغذ و پاسخگویی به خواننده، در بازار سیاه در بیدار است. شاید بتوان به حاکمیت «احزاب سایه» بر واحدهای بزرگ مطبوعاتی ایران معتقد بود. گرچه متأسفانه مردم و خوانندگان به واسطه عدم اعلام رسمی مواضع روزنامه‌ها و مجلات عمده به صورت ارگان یا ناشر افکار، گروه یا حزب یا دسته یا کانون فکری، یک خبر را با چند محتوا مطالعه می‌کنند. (نگاه کنید به بیانات ارائه شده به هنگام استیضاح دکتر فاضل وزیر بهداشت و درمان در مجلس و آنچه در چهارچوب روزنامه رسالت، کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی در این باره به چاپ رسید).

نبود یک استراتژی مطبوعاتی و ارتباطاتی از سوی دولت برای ترغیب و ایجاد انگیزش مردمی در جهت بازسازی نیز شاید از همین مقوله سرچشمه می‌گیرد. ضعف تخصصی نیروی انسانی شاغل و نامناسب بودن قانون مطبوعات نیز به نوبه خود، ژورنالیسم کنونی ایران را از مختصات شایسته یک ژورنالیسم حرفه‌ای و ملی به دور کرده است. مطبوعات صرفاً در جهت نیازهای حکومتی شکل نمی‌گیرد تا هر آنچه را واحدهای ارتباطی دستگاهها ارائه می‌دهند، همچون دو دهه پیش به چاپ رسانند. (۹) مطبوعات آینه تمام‌نمایی است از عملکرد دولت و کارگزاران حکومتی و یک کانال ارتباطی مناسب بین مردم و حکومت. دولت مسئول تأمین مواد و امکانات چاپ و انتشار برای کلیه واحدهای مطبوعاتی بدون در نظر گرفتن هر گونه تبعیض و یا استثنایی است.

● پیوست شماره ۱

- همین منظره را «دوربینانه» دید می‌زنند: روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۲۳۲، ص ۲.
- اینصورت، کارخانجات، بعمل آورد، می‌توانند، تصویرنامه، زمانیکه، در صورتیکه، در این رابطه: روزنامه کیهان، ش ۱۴۱۰۷.
- گمده: روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۲۲۱، ص ۲.
- وسائین: روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۲۲۲، ص ۲.
- علی القاعدتاً: روزنامه اطلاعات، ۶۹/۱۱/۱۷، ص ۲.
- تاریخ چه، بل که، ایرانی‌ها، کم‌تر از، بیش‌تر از، رخت‌شویی، آن‌جا، گل‌آب، شست‌و شو، بی‌افتند (بیفتند)، ثروت‌مندان، هم‌چون (مانند- همانند)، لباس‌شویی، کم‌بود، آزمایش‌گاهی، دست در کار، گران‌تر، دانش‌گاه، دست‌گاه، مزایای تن درستی‌آور آن‌ها، سخن‌رانی، قطع‌نامه، یک‌دیگر، چه‌گونه، دست‌یارانش (دستیاران او) و...: ماهنامه بهکام، ش ۶.

تالبع علمى

6- shadow parties

● پانوشتها

- 1- Robinson, J.: Aspects of Development and Under-development, Cambridge University Press, London, 1982.
- 2- Tech. Monitor, May-June, 1988.
- 3- Siebert & Peterson & Schramm: Four Theories of The press, University of Illinois Press Urbana, Tenth Edition, 1976.
- 4- Postman, Neil: Amusing ourselves to Death, Public Discourse in the Age of show Business, New York, Penguin Books, 1986.
- 5- Ian Steele: "Third World Book Publishers, Lagging", Mazingira, Vol. 7, No. 2, 1983.
- ۶- گزیده مسایل اقتصادی- اجتماعی، نشریه سازمان برنامه و بودجه، ش ۲۲.
- 7- Kot, Ahmet: "Muslim Mags. Multiply", In Afka, Inquiry, Magazine of Event, and Ideas, Vol. 3, No. 2, February 1986.
- ۸- کهن، گوئل: تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۲.
- ۹- کهن، گوئل: مردم داری (روابط عمومی) در ایران، انتشارات هلب، تهران، ۱۳۵۸.

● گوئل کهن، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و کارشناس مسایل مطبوعات است.

3- Turkiye
4-Milli Gazete
5-Yeni Nesil